

مشاور حقوقی کمیته نظام فنی، اجرایی مجلس شورای اسلامی:

تهران ۱۴ هزار هکتار بافت نا ایمن شهری دارد

بدون توجه به نحوه تعاریف مربوطه به بافت فرسوده، چیزی معادل ۱۴ هزار از ۷۰ هزار هکتار شهر تهران را بافت نا ایمن شهری تشکیل داده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، بدون توجه به نحوه تعاریف مربوط به بافت فرسوده، چیزی معادل ۱۴ هزار از ۷۰ هزار هکتار شهر تهران را بافت نا ایمن شهری تشکیل داده است.

در همین راستا مصاحبه ای با مریم صفاران، مشاور حقوقی کمیته نظام فنی، اجرایی مجلس شورای اسلامی، صورت گرفت تا نظرات وی را در مورد این بافت های شهری جویا شویم.

- خانم صفاران نگاه شما در مورد اقدامات انجام گرفته در بافت فرسوده چیست؟

بافت فرسوده آتش زیر خاکستر است. آلودگی هوا و مشکل حمل و نقل به سادگی قابل لمس است و آثار آن در زندگی روزانه ما قابل درک است. اما آثار واقعی بافت فرسوده تا زمانی که خدای نکرده زلزله ای بیاید، قابل درک نیست.

این بافت ها عملاً دچار مشکلاتی مثل ریزدانی، کیفیت پایین مصالح یا فشردگی سکونت هستند و یک زلزله می تواند موجب بروز یک فاجعه انسانی شود. چرا که این بافت ها مسیر فرار ساکنین از زلزله را می بندند و خیابان هایی که به سادگی امکان امداد و نجات در آنها فراهم نیست به بحران گرفتار شدگان در زیر آوار می افزاید.

در سال های اخیر به نظر می رسد شهرداری تهران از یک سو و شورای عالی شهرسازی از سوی دیگر به موضوع بافت فرسوده به دید یک موضوع حیاتی و بحرانی نگاه نکرده است. این موضوع را می توانید در گرفتار شدن در تعاریف جستجو کنید، جایی که شناسایی بافت فرسوده پس از چند بار معیارهای شناسایی متفاوتی پیدا کرد. همچنین اینکه نوسازی بافت فرسوده از موضوع نجات جان مردم به پروژه های دستکاری در بافت، تقلیل پیدا کرده است، یعنی متوجه نشدن صحیح صورت مساله.

- اگر قرار باشد یک رویکرد عملیاتی برای حل مساله بافت فرسوده شهر تهران پیشنهاد دهید، چه نظری دارید؟

- همانطور که بحث شد، بافت فرسوده موضوع مهم و پر وسعتی است. اما مهمترین کار این است که شهروندان را در اولویت قرار دهیم. یعنی معیار تصمیماتمان را بر اساس سلامت و نجات جان آنها تنظیم کنیم. اگر قرار است بافت این محلات بهبود پیدا کند، باید بپرسیم چرا ساکنین این محلات تمایلی به نوسازی ندارند یا نوسازی نمی کنند؟

دو دلیل کلی در این موضوع وجود دارد. اولی می تواند نبود منابع مالی کافی باشد و دومی مسائل و موانعی که برای نوسازی جلوی پای آنها قرار گرفته است. ما نیاز به طرح های نوسازی داریم که هم مشوق های مالی داشته باشد و هم موانع نوسازی را به درستی برطرف کند.

در بافتی که امکان تامین پارکینگ نیست، چرا باید شرط نشدنی گذاشت؟ طرح کارآمد این است که شهرداری در مورد گونه ای از ساخت مراکز محله ای اقدام کند که به صورت طبقاتی هم پارکینگ و هم مراکز خرید روزانه محله را داشته باشد.

بنابراین ساخت و سازهای بافت فرسوده منوط به خرید پارکینگ از این مجتمع ها شود. این پروژه هم توجیه اقتصادی دارد و هم مساله ساخت و سازهای محله را برطرف می کند.

وقتی مشکل پارکینگ حل شد، چه ایرادی دارد که ساکنین بافت فرسوده به بازسازی خانه های خود به همراه ساخت چند واحد اضافه بپردازند؟ به نظر من قواعد و ضوابط موجود در مورد ساخت و سازهای شهری در نقش کاهش دهنده کیفیت زندگی شهری عمل کرده است و نگاه درستی به نیاز ساکنین چنین محلات ندارد. اگر مقدمات نوسازی بر مبنای شناخت از واقعیت زندگی و نیاز نوسازی بافت فرسوده فراهم شود، نوسازی از طریق خود ساکنین صورت خواهد گرفت و نیازی به دخالت عامرانه یا نادیده انگاری نیست.

همه اطلاع داریم که شهر تهران چندین سال است که منتظر یک زلزله خطرناک است. پیامد این زلزله در اولین نگاه، تخریب خانه های فرسوده و ناپایدار خواهد بود که در ادامه به بحران های تند شونده دیگری منتهی خواهد شد. این حق شهروندان است که کارها و تصمیمات مدیران شهری به شکلی اتخاذ شود که سلامت و امنیت آنها در مواقع بحرانی را تضمین کند.